



## وضعیت فلاکت‌بار کارگران فصلی، خدماتی و روزمزد و ضرورت کارآگاهگرانه سازمانگرانه در محلات وحاشیه شهرها

بعد از شیوع ویروس کرونا موج عظیمی از بیکاری و بی مسکنی و ناتوانی در تامین معیشت روزمره، بیش از همه دامن کارگران و زحمتکشان جامعه را فرا گرفته است و در این میان موقعیت اقتصادی و معیشت کارگران خدماتی، روزمزد و فصلی اسفناک‌تر از همیشه شده و اکنون موج دوم کرونا از یکسو و تشدید بحران اقتصادی، گرانی سرسام آور مایحتاج عمومی و فساد و دزدی و اختلاسهای میلیاردی از سوی دیگر باعث شده است تا آسیب پذیرترین بخش جامعه دنبال قوت لایموت به هردری بزند، بدون اینکه دادرسی باشد. بسیاری از این کارگران در پی شیوع ویروس کرونا و تاثیر آن بر کسب و کارهای کوچک، شرکتهای خدماتی و حتی شرکتهای بزرگ، از کار بیکار شده اند. علاوه بر ظلم و ستم و استثمار نظام حاکم و بی توجهی مسئولین امور به معیشت و سلامت کارگران، ویروس کرونا نیز همچون تیغی دولبه بجانشان افتاده است. اگر در خانه بمانند اندک معیشت خود رانیز از دست میدهند و در تلاش برای امرار معاش با خطر سرایت کرونا دست به گریبان هستند. اینها بخش بزرگی از کارگران خدمات، ساختمان و کسب و کارهای کوچک هستند که از بیمه بیکاری و سایر مزایای رسمی درقوانین کار نیز محروم هستند.

ادامه در صفحه ۲

**صاحبان قدرت و ثروت در ایران چهاردهه  
است که بر سر سفره خون نشسته اند  
بمناسبت سی و دومین سالگرد قتلعام  
زندانیان سیاسی  
صفحه ۴**

### مصاحبه نشریه کار کمونیستی با دو تن از رفقای تشکیلات داخل کشور

تشکیلات داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بیش از دو دهه است که در میان کارگران زحمتکشان و توده های تحت ستم و استثمار به فعالیت انقلابی و تلاشهای مبارزاتی خود ادامه میدهد. نشریه کار بر آن شد که در قالب پرسش و پاسخ گفتگوی کوتاه با دو تن از فعالین تشکیلات داخل کشور سازمان داشته باشد تا در جریان ارزیابی این رفق از شرایط جامعه و جنبش انقلابی قرار گیریم .  
ادامه در صفحه ۹

### پرسش و پاسخ

### مجمع عمومی و طیف کمونیست کارگری

هر گاه که اعتصابات و اعتراضات کارگری اوج میگیرد بحث های فراوانی حول چگونگی سازماندهی و تشکل یابی کارگران صورت میگیرد. در این میان برخی از جریانات عمدتاً طیف حزب کمونیست کارگری و خود این حزب از " مجمع عمومی " یاد میکنند و مدعی اند مجمع عمومی یک تشکل است و از سال ۵۷ مطرح شده و حالا بتدریج به خود آگاهی فعالین کارگری تبدیل شده. نمونه زیر بخشی از متنی است که در نشریه مجمع عمومی شماره یک درج شده است.  
ادامه در صفحه ۲

### اعلامیه شورای همکاری نیروهای

### چپ و کمونیست

### شکنجه و اعدام با

### سرشت جمهوری

### این جنایت بی جواب نخواهد ماند! اسلامی عجیب است

صفحه ۸

صفحه ۲

### دلایلی که مسبب شکست ترامپ در ماه نوامبر

صفحه ۱۲

### خواهند شد!

### من تسلیم نخواهم شد!

صفحه ۱۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !



یدی شیشوانی

## وضعیت فلاکت‌بار کارگران فصلی، خدماتی و روزمزد و ضرورت کارآگاه‌گرانه وسازمان‌گرانه در محلات وحاشیه شهرها

مبارزه میکنند، پرداختن به امر خواستها و مطالبات کارگران روزمزد و فصلی و تلاش در جهت متشکل و متحد شدن آنها و رساندن صدای آنها به گوش هم طبقه ای های خود از وظایف مهم و مبرم پیشروان و پیشاهنگان جنبش کارگری محسوب میشوند.

نباید فراموش کرد که بیشتر طغیانها و خیزشهای توده ای سالهای اخیر پوسیده همین بخش از جنبش کارگری و زحمتکشان محروم و بیکاران و حاشیه نشینان بوقوع پیوسته است و این بخش از کارگران و زحمتکشان با توجه به وضعیت اقتصادی و معیشت شان و فشار اقتصادی غیرقابل تحمل بر خانواده هایشان، برغم پراکندگی و زندگی در محلات کارگری و حاشیه شهرها، بیشترین پتانسل را برای خیزشهای انقلابی در خود دارند. درست به همین علت و در هراس از این خیزشها است که رژیم برغم داشتن دستگاه های عریض و طویل سرکوب، به فکر سازماندهی گروه های ضربت محلات افتاده است. چراکه میداند تحمل این همه محرومیت و ظلم و ستم و بی چشم اندازی و بی آیندگی برای میلیونها کارگر بیکار و محروم از حداقل درآمد بخورونمیر، همچون آتش زیر خاکستر به جرقه ای بند است تا شعله ور گردد.

در این میان وظیفه پیشاهنگ طبقه کارگر و کارگران آگاه و پیشرو است که تلاش کنند با ایجاد کمیته ها و تشکلهای مخفی و نیمه علنی در محلات و در میان حاشیه

استثمار میشوند، این تعداد میلیونی کارگران فاقد بیمه بیکاری و تامین اجتماعی هستند و از هیچگونه تضمین شغلی برخوردار نیستند. این بخش از کارگران با شیوع و ویروس کرونا تمام مفرد آمد و امرار معاش خود را از دست داده اند.

علاوه بر سرکوب بمتابه مانع اصلی تشکل یابی کارگران، عوامل دیگری نظیر مشاغل موقت، فصلی و غیر رسمی از یکسو و پراکندگی این کارگران در شرکتها، موسسات، پیمانکاریها و کسبه جزء و یادر مشاغل خانگی از سوی دیگر باعث شده است تا این گروه از کارگران از حداقل تشکل، آگاهی طبقاتی، انسجام و ارتباطات لازم با همدیگر برخوردار نباشند. از طرفی فعالین و تشکلهای موجود کارگری و سازمانهای مدافع جنبش کارگری نیز آنها را بفراموشی سپرده اند.

ضرورت کارآگاه‌گرانه و سازمان‌گرانه در محلات و حاشیه شهرها و تعمیم آن به رشته ها و رسته های مختلف

اکنون که اعتصابات و اعتراضات کارگری در بسیاری از واحدها جریان دارد و این کارگران در روند مبارزه در حال کسب آگاهی و دربرخی موارد نظیر کارگران پیمانکاریهای نفت و پتروشیمی توانسته اند مبارزات و خواسته‌هایشان را بهم گره بزنند و یا کارگرانی که برای دریافت حقوقهای معوقه، تضمین شغلی و رسمی شدن قراردادهای موقت، افزایش دستمزدها

...طبق آمارهای موجود بیش از 90 درصد کارگران ایران قرارداد موقت هستند. کارفرماها با بهانه قرارداد و وضعیت کرونایی بجای تامین امنیت و بهداشت محیط کار، کارگران را به مرخصی اجباری و بدون حقوق میفرستند و یا اخراج میکنند. بخش زیادی از این کارگران در شرکتها، رستورانها، مغازه ها و دستفروشیهای شاغلند که اساسا هیچگونه قرارداد و تضمین شغلی را پشتوانه خود ندارند. اخراج به بهانه شیوع و ویروس کرونا و یا رکود بازار و خانه نشین کردن آنها در واقع امر به گرسنگی کشاندن بیشتر این کارگران و خانواده هایشان است. کارگران کسب و کارهای کوچک و متوسط که نزدیک به 40 درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل میدهند، از تامین اجتماعی و بیمه بیکاری در همان حد نازل کنونی آن نیز که کارگران رسمی از آن برخوردارند، محروم هستند. یکی از همین کارگران روزمزد میگوید «از آن جایی که ما کارگر روزمزد محسوب می‌شویم، شرکت‌های خدمات نظافتی ما را بیمه نمی‌کنند. در این دوران که لااقل برخی کارگران توانستند با دریافت بیمه بی‌کاری اموراتشان را بگذرانند، من و خیلی‌های دیگر از این مقرری هم باز ماندیم.»

طبق آمارهای رسمی و تخمینی نزدیک به 30 میلیون کارگر زن و مرد روزمزد و فصلی در این مشاغل

## شکنجه واعدام با سرشت جمهوری اسلامی عجین است

روز شنبه 22 شهریورماه، نوید افکاری کارگرگچکار، قهرمان کشتی، و از دستگیرشدگان اعتراضات عمومی سال 97 برغم اعتراضات وسیع در داخل و خارج کشور، بدست جلادان جمهوری اسلامی اعدام شد.

خبر اعدام نوید افکاری خشم و نفرت عمومی را در داخل و خارج کشور نسبت به جنایتکاران حاکم چنان برانگیخته است که آنها مجبور شده اند مسئولیت اعدام شدن نوید افکاری را به گردن خانواده مقتولی بیاندازند که نوید افکاری هرگونه دخالت در قتل وی را تکذیب و استنادات دادگاه را اعترافگیری زیر شکنجه اعلام نموده بود. رژیم رسوای جمهوری اسلامی که خود را در لبه پرتگاهی میبیند که سرانجام اش سقوط و نابودی است، به شیوه همیشگی خود ویی شرمانه، از اعترافات زیر شکنجه فیلم تهیه کرده و آنرا از تلویزیون حکومتی پخش نمود.

نوید افکاری معترض ستم و سرکوب، کارگر گچ کار و نائب قهرمان نوجوانان ایران و دو برادرش که اکنون از سرنوشت آنها خبری در دست نیست، چند روز بعد از فرکش کردن اعتراضات سراسری آبانماه سال 97 به جرم شرکت در تظاهرات بازداشت شده بودند و در زندان با اتهام قتل "حسن ترکمان" مامور امنیتی رژیم و کارمند حراست شرکت "آبفای" شیراز مواجه شده و توسط ماموران امنیتی به زیر شکنجه برده میشوند. نوید افکاری در بیدادگاه جمهوری اسلامی به دوبار اعدام محکوم میشود و برادران وی بنامهای وحید افکاری و حبیب افکاری به ترتیب به 54 و 27 سال زندان محکوم میشوند. نوید افکاری از درون زندان اعلام کرده بود "اگر من بی گناه اعدام شدم، عقل و منطق حکم میکند که این اولین قربانی بی عدالتی این بیدادگاه باصطلاح عدالت محور نبوده است، سکوت شما یعنی حمایت از ظلم و ظالم..."

واقعیت هم همین است که نوید افکاری، این جوان مبارز و آزادیخواه گفته است. این رژیم بیش از چهل سال است که جنایت آفریده و برای ادامه استثمار مضاعف و غارت و چپاولگری و ثروت اندوزی طبقه حاکم، به هر جنایت دیگری دست خواهند زد. اجرای حکم اعدام نوید افکاری درست در زمانی که خاطره زندانیان سیاسی قتلعام شده در شهریور 67 گرامی داشته میشود، مبین این واقعیت انکارناپذیر است که جنایت پیشگی و کشتار مخالفین با سرشت طبقه حاکم و دولت سرکوبگر مذهبی آن عجین است. برای پایان دادن به ستم و استثمار و زور و سرکوب و شکنجه و اعدام، میباید دامنه مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم را گسترش داد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ضمن اعلام همدردی با خانواده، بازماندگان نوید افکاری و توده های تحت ستم و استثمار ایران اعلام میکند که خون جوانانی همچون نوید افکاریها برجای نخواهد ماند. رژیم به عبث میکوشد با توصل به دار و درفش، توده های مردم بجان آمده را ساکت کرده و چند صباحی دیگر به حیات ننگین خود ادامه دهد. گسترش اعتصابات و اعتراضات عمومی و اعلام نفرت از عمل جنایتکارانه رژیم و نیز عدم شرکت توده های زحمتکش مردم در "انتخابات" نمایشی دور دوم مجلس ارتجاع، تنها انعکاس گوشه ای از خشم و نفرت توده ای از غارتگری، فساد و سرکوبگری نظام حاکم و جواب دندان شکنی به مافیای قدرت و ثروت است که با اعدام جوانان نمیتواند جور عب و وحشت را بر جامعه حاکم کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - بیست و سوم شهریورماه 99

نشینان، کارگران فصلی، خدماتی و غیره، زمینه سازمانیابی این بخش از کارگران را در رده ها ورسته ها ورشته های مختلف فراهم نمایند و از این طریق به اتحاد سراسری آنها در عرصه مطالبات، شعارها و نیز سازماندهی و رهبری مبارزات یاری رسانند. طبیعی است که این تشکلهادر شرایط سرکوب حاکم نمیتوانند به یکباره گسترش یابند، اما این کمیته ها و تشکلهادر حد محدود نیز میتوانند از طریق جمع بندی خواست ها و مطالبات فوری این بخش از کارگران؛ نظیر مبارزه با اخراجها، حق کار، تامین اجتماعی و بیمه بیکاری که خواست های مبرم این بخش از کارگران است، به ارتقاء سطح آگاهی و اتحاد آنها حول شعار محوری و سراسری کار-مسکن - آزادی یاری رسانند. تلاش در این راستا این امکان را به این کمیته ها میدهد تا در جریان مبارزه اعتماد توده هارا جلب کنند، با کمیته های کارخانه های بزرگ و تشکلهای مخفی و نیمه علنی مراکز کارگری بزرگ ارتباط برقرار بکنند، شعارها مطالبات و مبارزاتشان را هماهنگ سازند و در شرایط و موقعیت انقلابی، خیزشهای خودبخودی را به خیزشهای سازمان یافته و هدفمند تبدیل کنند و مالا رهبری انقلابی لازمه این خیزشها را تامین نمایند.

یدی شیشوانی

شهریور 99

به کانال تلگرام ما بپیوندید

@fedayi1349

آخرین اخبار و گزارشات  
مقالات . اطلاعاتی ها و  
نشریات سازمان اتحاد  
فدائیان کمونیست را از  
کانال فدائی در تلگرام  
دریافت کنید .

<https://t.me/fedayi1349>

## بمناسبت سی و دومین سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی

### صاحبان قدرت و ثروت در ایران چهاردهه است که بر سر سفره خون نشسته اند



سی و دو سال قبل در شهریور 1367 (سالی از دهه خونین 60) هزاران زندانی سیاسی بدست جلادان تازه بقدرت خزیده ای که این روزها فساد و دزدی و غارتگری آنها ورد زبان خاص و عام است، قتل عام شدند. تا جاده ستم و استثمار و دزدی و فساد و اختلاسهای میلیاردی صاحبان قدرت و ثروت از هرگونه مانعی پاکسازی شود. دارو دسته حاکم و طبقه استثمارگر و ستمگری که بر متن هشت سال جنگ ویرانگر ایران و عراق، بابرپائی چوبه های دار و جوخه های اعدام، دهه خونین 60 را رقم زدند تا بر روی ویرانی جنگ و خون، سرنوشت قیام 57 را یکسره کنند. آنها در این اقدام انسان ستیزانه خود حتی قوانین و مقررات

ارتجاعی خویش را نیز زیر پا گذاشتند. زندانیانی که قبلا دربیدادگاه ها محکوم شده بودند و اغلب دوران محکومیت شان به پایان رسیده بود و یا روبه پایان بود، را نیز بدون هیچ دلیل و مدرکی به جوخه های اعدام سپردند. رژیم تازه بقدرت رسیده در شرایط سکوت کشورها و نهادهای مدافع دموکراسی و حقوق بشر، به زن و مرد و به کوچک و بزرگ رحم نکردند و هرکسی که بدستشان افتاد بعد از شکنجه های طاقت فرسا به قتل رساندند. تا زمینه برای سود اندوزی و تشدید استثمار و غارت منابع کشور و دسترنج عموم، بی هیچ مانعی فراهم شود. صاحبان قدرت و ثروت در ایران چهاردهه است که بر سر سفره خون نشسته اند. بدون تردید روزی فرا خواهد رسید که در مقابل توده های زحمتکش و تحت ستم و استثمار ایران، تاوان اعمال ضد بشری خود را خواهند داد.

در سی و دومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی یاد و خاطره همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی میداریم و فراموش نمیکنیم که دهه خونین 60 و قتلعام زندانیان سیاسی در شهریور 67 مصاف خونین طبقه حاکمه با توسل به مذهب و خرافات باتوده های مردمی بود که خواهان آزادی و پایان دادن به ستم و استثمار و زور و سرکوب بودند. تداوم کشتار و سرکوب از سوی رژیم حاکم و استثمارگران و دزدان و غارتگران اموال عمومی و خیزشهای پی در پی توده های رنج دیده و اعتصابات و اعتراضات گسترده برغم ددمنشی های رژیم مبین این واقعیت است که توده های زحمتکش مردم تنها با پیروزی براهریمن ارتجاع و نظام طبقاتی دزد و فاسد حاکم است که خواهد توانست به سالها ستم و استثمار و زور و سرکوب در جامعه پایان دهد. هنگامی که در یک جبهه انقلابی برای سرنوشتی نظام حاکم متحد شده و از طریق شوراها سرنوشت خویش را در دست بگیرد.

امروز که طبقه کارگر با اعتصابات و زحمتکشان با خیزشهای پی در پی خود چشم انداز نوینی را در عرصه مبارزات اجتماعی گشوده اند در این شرایط دادخواهی خانواده ها و بستگان زندانیان سیاسی جانبخته در دهه 60 نیز وجهی مهم از مبارزه برای آزادی محسوب میشود. در همگامی با خانواده های زندانیان سیاسی جانبخته، دادخواهی خانواده ها را به یک خواست همگانی تبدیل کنیم.

در فاجعه خونین دهه 60 و قتلعام زندانیان سیاسی در شهریور 67 هزاران نفر از کمونیستها، آزادیخواهان و بسیاری از رفقای ما جانشان را در راه آزادی و سوسیالیسم از دست دادند. آنها تا آخرین لحظات حیات خود به آرمانهای انسانی خویش وفادار ماندند. ما درسی و دومین سالگرد این فاجعه خونین، یاد همه آنها را گرامی میداریم و پیمان میبندیم که راه و آرمان آنها را پیگیرانه دنبال کنیم. یاد آنها همیشه زنده و جاوید خواهد ماند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی**

**زنده باد سوسیالیسم**

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

**شهریور 1399**

## بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت

### آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

بسیاری از شهرهای ایران در وضعیت قرمز بسر می‌برند و اوضاع شهرهای سفید دأماً در حال نوسان هست و اضافه بر آن آمارهای رسمی دولت از تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا و میزان مبتلایان در ایران بهیچوجه قابل اعتماد نبوده و بسیار کمتر از آمار واقعی گزارش شده‌اند. اصرار بر بازگشایی مدارس قبل از اینکه برنامه‌ای عملی و سراسری جهت پیشگیری از انتقال بیشتر ویروس در نظر گرفته شود و قبل از تضمین بکارگیری مسؤلانه پروتکل‌های بهداشتی، حاکی از بی‌توجهی به جان میلیون‌ها دانش‌آموز، معلم و خانواده‌های آنان است. البته رژیم ارائه یک برنامه سه‌وجهی که شامل کلاسهای حضوری، زوج و فرد کردن کلاسها، و همینطور کلاسهای مجازی بترتیب در شهرهای سفید، زرد، و قرمز را اعلام کرده است و ادعا میکند که احتمال چرخش و انتقال ویروس را در کنترل خواهد داشت. با تجربه کتمان واقعیت در اولین کیسهای بیماری در قم و تهران، با راه اندازی راه پیمایی 22 بهمن برغم اینکه رژیم از ورود ویروس به کشور مطلع بود، با راه اندازی دستجات علم و کتل محرم در حالیکه روزانه هزاران نفر بخاطر کرونا جانشان را از دست میدهند، و اکنون با بازگشایی عجولانه مدارس، مقامات مسؤل امتحان خود را در خصوص جان و سرنوشت مردم ایران به بدترین وجهی پس داده‌اند و اکنون با تبلیغ این برنامه سه‌وجهی بدون تامین تسهیلاتی عملی کردن آن برای میلیون‌ها دانش‌آموز، سعی دارد خانواده‌ها را مجاب کند که جان فرزندانشان در مخاطره قرار نخواهد گرفت. واقعیت امر اما چیز دیگر است. میلیون‌ها دانش‌آموز، فرزندان خانواده‌های کارگری و فقیر جامعه هستند. بسیاری از

این کارگران بیکار و بی‌درآمد هستند و آنانی که هنوز کار می‌کنند با معضل حقوقهای معوقه و دستمزد های زیر خط فقر روبرو هستند. حدود نیم میلیون دانش‌آموز در بلوچستان به آموزش مجازی دسترسی نخواهند داشت و این در بسیاری از شهرها و روستاهای دیگر هم در ایران صدق میکند. میلیون‌ها کارگر و خانواده‌هایشان هم بخاطر شرایط متزلزل کاری در میانه بحران کرونا و از دست دادن منبع ناچیز درآمدهای بی‌هیچ کمک دولتی و حمایت مالی به امان خودشان رها شده‌اند. حال این خانواده‌ها در عین حال برای حفظ سلامت خود و فرزندانشان باید متحمل مخارجی از قبیل اقلام بهداشتی در کنار لوازم تحریر، لباس فرم مدرسه، کتاب و دیگر هزینه‌های تحصیلی هم بشوند. روحانی در سخنانی در ارتباط با بازگشایی مدارس، بحران کرونا را یک بلائی طبیعی اعلام کرد و گفت که دولتش میخواهد امور کشور به حالت فعال و معمولی برگردد. روحانی هم همچون همپالگی‌هایش یک شیاد است و نمی‌گوید که رژیم اسلامی مزورانه با بی‌توجهی و لاقیدی به جان میلیون‌ها نفر در ارتباط با متوقف کردن شیوع ویروس و بکارگیری اقدامات بهداشتی بموقع، بخاطر استفاده تبلیغی از کشاندن جمعیت به راهپیمایی 22 بهمن، و فقدان بموقع، مجانی، و همگانی اقلام بهداشتی قابل دسترس عموم، عامدانه کرونا را در جامعه بازپخش وسیع کرد، و این هیچ ربطی به طبیعی بودن آن ندارد. این به اصطلاح بلائی طبیعی که با بی‌عملی و خودداری رژیم از اقدامات بلادرنگ جهت حفظ و امنیت جانی و سلامت عمومی، جان صدها هزار انسان را در ایران گرفته است مسؤلینش تنها بر گردن رژیم اسلامی ایران است.

از سرگیری فعالیت‌های اقتصادی و روزمره اجتماعی بزعم روحانی را فقط با تشدید استئمار و سرکوب، و فساد و دزدی گسترده باندهای دولتی میتوان تفسیر کرد. ولی برای مردم زحمتکش این روزمرگی عادی رژیم جز بیکاری و فقر، کشتار آبانماه 98، جنایت هواپیمایی اوکراین، اعدامها و دستگیری های فعالین جنبشهای اجتماعی، و تخریب و حمله به آلودگیهای محرومترین آحاد مردم معنایی دیگر ندارد. فرزندان همین کارگران و زحمتکشان هستند که موضوع بیشترین خطر و احتمال ابتلا به ویروس کرونا را دارند و همین ایناند که با سفره های خالی، بیکاری و نرخ بالای ابتلا به بیماریهای عفونی روبرو هستند و اکنون باید نگران خرید ماسک بهداشتی، دستکش و ژل ضد عفونی کننده هم باشند و این در حالیست که اگر شهروند شهرهای قرمزباشند نیاز کامپیوتر و اینترنت برای حضور در کلاسهای مجازی که برای این اقبال در حکم فوق لاکچری است را پیش پای آنان میگذارد. بسیاری از دانش آموزان روستاها قادر نخواهند بود که از طریق اینترنت در کلاسها شرکت کنند و رژیم هیچ میلی برای حل این معضل ندارد. در این رابطه، آخوند علم الهدا حتی تا آنجا پیش میرود که عدم رسیدگی به مشکل اینترنت و دستگاههای هوشمند در روستاها را، هراس مقامات از استفاده های مضر در فضای مجازی توسط این دانش آموزان و بخاطر انداختن مصلحتهای امنیتی برای رژیم میدانند. برآستی رژیم خطر آگاهی و دسترسی دانش آموزان به اطلاعات سانسور نشده را بیشتر از جان انسانها میدانند. دانش آموزان، دانشجویان، آموزگاران و اساتید دانشگاهی اکنون که هر کدام شما در مقام آموزش و تعلیم و تربیت و یا یادگیری در کنار دیگر معضلات اجتماعی باید نگران سلامت خود و خانواده‌هایتان در محیط آموزشی و کاری هم باشید، وظیفه هر کدام شما بسیار حساستر و حیاتی تر شده است. در شرایطی که برخی از آموزگاران بازنشسته

مقامات مسئول هیچگونه توجیهی را نپذیرفته و با آن بشدت برخورد خواهد کرد.

رژیم ایران با شتاب در بازگشایی مدارس همانگونه که روحانی گفت میخواهد همه چیز را زودتر به روال عادی برگرداند و ما دقیقا میفهمیم که منظور روحانی چیست. او میخواهد کارگران اعتصابی و معترض را بخانه برگرداند و سرکوب کند و چوب حراج بر هفت تپه و تاسیسات دیگر دولتی بزند. پاسخ مردم ستمدیده ایران هم این است که روال عادی برایشان ادامه جنبش آبانماه و مبارزات کارگری تا سرنگونی استبداد سرمایه داری و جمهوری اسلامی ایران است. مبارزه ادامه دارد حتی زمانیکه برای زنده ماندن و تداوم مبارزه باید برای باز نکردن مدارس در شرایط حاد اپیدمیک مبارزه کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی همه جوانان ، دانش آموزان و دانشجویان ، کارگران و زحمتکشان سراسر کشور  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران  
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران  
زنده باد سوسیالیسم  
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
17 شهریور 1399

## با کمک های مالی خود. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را در انجام وظائف انقلابی اش یاری رسانید.

### کمک های مالی رسیده به سازمان

رفیق کریم تیمورزاده  
۱۰۰۰ دلار کانادا

سعید سلطانیپور

۵۰۰ کرون سوئد

نظام

۵۰۰ کرون سوئد

مراد علی علیا

۱۶۰۰ کرون سوئد

خسرو قره داغی

۵۰۰ کرون سوئد

بسیاری از همسن و سالهای شما را در کنار پدر و مادرهایشان بیرحمانه کوتاه کند! این جمهوری اسلامی است که بزرگترین ویروس ضد انسانی است. رژیم اسلامی است که با تزویج جهل و خرافه مانع شکوفایی، پویایی، و خلاقیت شما دانش آموزان شده و بسیاری از معلم هایتان هنوز قراردادی اند و با حقوقهای زیر خط فقر عهده دار تعلیم و تربیت و روشننگری شما هستند.

سنگر مدرسه و دانشگاه همواره نماد مبارزه و مقاومت برای عدالتخواهی و برابری طلبی بوده است و هم اکنون دانشجویان بسیاری هم صدا با کارگران علیه خصوصی سازی، بیکاری، و سرکوب معترضین در خیابانها به اعتراض آمده اند. در سال تحصیلی پیش رو این سنگر را باید هر چه مستحکمتر و فشرده تر در پیوند با مبارزات جاری کارگران حفظ کرده و هر چه بیشتر بسط داد.

اکنون که رژیم اسلامی ایران بالماسکه تریک و تهنیت های رسمی بمناسبت بازگشایی مدارس براه انداخته است بدون اینکه حتی زحمت تظاهر کردن به حل مشکلات آموزشی میلیونها دانش آموز را بخود بدهد، فریاد اعتراض همنوا با کارگران باید هر چه رساتر این نمایش فریبکارانه رژیم را که انگار هیچ اتفاقی نیافتاده و هیچ چند صد هزاری جان خود را بخاطر اهمال رژیم از دست نداده اند را باید برای همیشه خفه کرد.

دانش آموزان، دانشجویان و آموزگاران و فرهنگیان پیشرو مثل همیشه مرعوب سیاه نمایی رژیم نشده و در کنار کارگران بسیاری که در کوران بحران کرونا برای حقوق بحق شان با اعتصاب و تظاهرات شان کوتاه نیامدند، بر خواسته یک محیط امن تحصیلی با تامین تسهیلات رایگان بهداشتی و آموزشی باید پافشاری کرده و به مبارزه ادامه دهند.

مسئولیت جان دانش آموزان، دانشجویان، و کادر فرهنگی جامعه و همینطور خانواده های آنان بعهده رژیم ایران است و جامعه ایران در قبال هر گونه اهمال و بی توجهی

هنوز در زندان بسر می برند و دانشجویان بسیاری بدلیل واهی امنیتی دستگیر و از دانشگاه اخراج می گردند و کودکان بسیاری در روستاهای محروم، فاقد کلاس درسی و وسایل کافی آموزشی هستند، در شرایطی که بسیاری از شاگردان شما با شکمهای خالی بر روی نیمکتهای کلاس هایتان حاضر میشوند، در شرایطی که هم سن و سالهای شما دانش آموزان، در بلوچستان بخاطر عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و قابل شرب طعمه تمساحها میشوند، و پدر و مادرهای شما دانشجویان، یا بیکارند و در اوج بحران کرونا و قرنطینه برای لقمه ای نان در ناامن ترین شرایط دنبال کار در خیابانها میگشتند، یا در صفوف کارگری برای حداقل حقوق صنفی شان کابل میخورند و زندانی میشوند، بیشترین آسیب متوجه شما و خانواده های شماست و بزرگترین چالش برای یک زندگی بهتر در آینده ای بدون رژیم فاسد و دزد سرمایه داری اسلامی پیش روی شما قرار گرفته است. این شماست که در صفوف مستقل خود و در کنار مبارزات کارگران دست رژیم و برنامه های صرفا تبلیغاتی اش را میتوانید رو کنید. بگویید که سه و نیم میلیون از کودکان روستایی حتی اگر کامپیوتر هم داشته باشند به سامانه شاد دسترسی نداشته و فاقد اینترنت هستند. بگویید میلیونها کودک نان ندارند بخورند و مدرسه را بخاطر کمک مالی به خانواده ول کرده و به کودکان کار پیوسته اند. بگویید که آموزش و حق تحصیل باید رایگان باشد و تسهیلات آموزشی و بهداشتی برای همه دانش آموزان باید توسط دولت تامین شود.

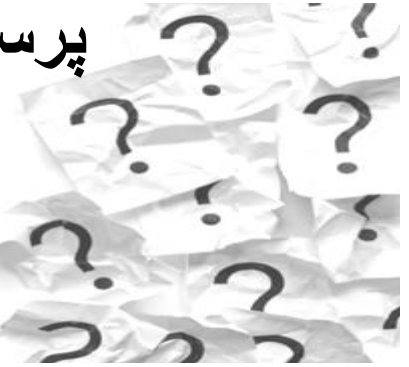
جمهوری اسلامی ارزشی برای جان شما و میلیونها انسان دیگر قائل نیست اگر بود ما با دانش آموزان بسیاری در روستاها روبرو نبودیم که هر روزه برای رفتن به مدرسه کیلومترها راه را باید با پای پیاده بروند و از رودخانه های پر آب بجای پل با جعبه و طناب عبور کنند! اگر بود که بدون هیچ درنگی فرمان موشک زدن به هوایمایی اکراین را صادر نمیکرد که رشته جان

## پرسش

و

## پاسخ

### مجمع عمومی و طیف کمونیست کارگری



ارتجاعی هم گرفته شود. این شکل تجمعات عمومی را قبل از رشد سرمایه داری هم میتوان سراغ گرفت. درایران هم این شکل از تجمع اقشارمختلف مردم و کارگران ازتاریخی بسیار طولانی برخورداراست. مجمع عمومی کارگران یک کارخانه و یا مرکزتولیدی وخدماتی هم ازاین امر مستثنی نیست. هرگاه امری مربوط به منافع کل کارگران یک کارخانه باشد بطورمثال ورشکست شدن، نپرداختن حقوقها، تعطیلی کارخانه، فقدان ایمنی محیط کار، حوادث و اتفاقات، ومشابه اینها. چه این کارخانه قبلا دارای تشکیلات اتحادیه ای وسندیکائی، شورائی باشد ویا اساسا فاقد تشکل باشد، نیزتشکیل میشود. وبعدازپایان تجمع، مجمع عمومی نیز وجود ندارد. ومثل یک تشکل سندیکائی، اتحادی ای وغیره نمیتواند پیوسته وپایدار همچون یک تشکل به کارش ادامه دهد. این رسم وشبوه برگزاری مجمع همواره وجود داشته ومربوط به سال 57 نیست. البته شاید رسم وسنت مجمع عمومی اتفاقی در سال 57 بگوش رهبران این طیف خورده باشد. مجمع عمومی درعین حال بدلیل موجودیت موردی خود فی النفسه ناپایداراست و جنبه گذرائی دارد واساسا قادر به متحد کردن کارگران بصورت طبقه نیست وجز درموارد معین واقدامات صنفی مشخص، نمیتواند بمثابه یک تشکل مبارزات کارگران را به هم پیوند داده وآنها رامتحد کند علاوه برآن بخاطر موردی بودن اش مبارزات کارگران یک کارخانه راهم نمیتواند بصورت پیوسته به سرانجام پیروزمنداش برساند چراکه ممکن است بفاصله زیاد موردی پیش نیاید که جمع شدن همه کارگران درمجمع عمومی را ضروری وممکن سازد و یا اختلاف منافع

صنف، محله، روستا درجائی برای گفتگو و یا تصمیم گیری درامرمشترک فوری. همانطورکه ازاسم اش پیدا است فقط کارگران را شامل نمیشود بلکه هرجا وموسسه ای موضوع ومشکلی پیش میاید که اجتماع شاغلین ویا ساکنین آن محل وموسسه را ضروری میسازد، درچهارچوب زمانی تشکیل وپایان جلسه، مجمع عمومی مینامند. که با اتمام تجمع، مجمع عمومی نیزپراکنده ومنحل میشود. این جمع شدن درزیریک سقف ابتدائی ترین شیوه رسیدگی وتصمیم گیری و یا شنیدن وگفتن است اهالی روستا درمسجد جمع میشوند تا مثلا درباره تقسیم اب ویا مشکلات روستا صحبت بکنند. این جمع شدن بدین معنی است که مجمع عمومی روستا تشکیل شده است. سهامداران یک شرکت هم هرساله ویا درموارد لزوم مجمع عمومی تشکیل میدهند. این مجامع تشکیل میشوند تا موضوع معینی را حل وفصل بکنند گاه انسانهای دارای منافع ودیدگاه های مختلف ومتضاد دراین مجامع شرکت میکنند میگویند ومیشنوند تا به تصمیم برسند وبعد پایان مییابد. ازطرفی چون مجمع عمومی تشکیل شده است وتصمیمی گرفته است لزوما این تصمیم مترقی ویا به نفع آن جمع، صنف ویا کارخانه نمیتواند باشد. درمجامع عمومی ممکن است تصمیمات ضد کارگری و

ادامه از صفحه اول

... " خودآگاهی فعالین کارگری در ایران نسبت به پدیده جنبش مجمع عمومی، نقش زیادی در پیشروی طبقه کارگر و جنبش مجمع عمومی دارد. هر فعال کارگری باید به جای نقشه ها و الگوهایی که باید با تبلیغ و ترویج در میان کارگران جای گیرد، به جنبش مجمع عمومی کارگری که از سال 57 تاکنون در ایران جریان دارد و بهترین و کارآمدترین و ساده ترین راه متحد و متشکل کردن کارگران در شرائط کنونی است، بپیوندد. " ( به نقل از نشریه مجمع عمومی )

حال سوال من ( محمود - ب ) از شما رفقای فدائی این است، آیا آنچنان که طیف کمونیست کارگری مدعی است " مجمع عمومی " یک تشکل ویا جنبش کارگری است یا نه ؟

جواب : با درود و تشکر از شما رفیق محمود گرامی، درجواب میتوانیم بگوئیم که مجمع عمومی نه تشکل است و نه جنبش، چسباندن این القاب وصفات ها برای مجمع عمومی اختراع همین طیف است که گویی درعمر خود هیچکدام هیچ تماس ورباطه ای با محیط کارگری ومردمان محل کاروزیست نداشته اند. علاوه برآن ازتاریخ جنبش کارگری هم بی اطلاع هستند.

مجمع عمومی معنی اش را باخوداش دارد. مجمع عمومی یعنی جمع شدن افراد یک

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست این جنایت بی جواب نخواهد ماند!

جمهوری جنایتکار اسلامی، زندگی را از نوید افکاری، کارگر گچکار گرفت تا صدای گرسنگان و بیکاران، شورشگران دیمه ها و آبناماه های ایران خفه شود. او را ناگهانی، با عجله به دار کشیدند و تحت تدابیر امنیتی و شبانه در روستای سنگر از توابع همایجان شهرستان سپیدان به خاک سپردند. سرگذشت نوید افکاری، سرگذشت مشترک میلیونها جوانیست که بخاطر زیستن و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه، رویاهای نوجوانی و جوانیشان، بخاطر نظام جهنمی سرمایه داری اسلامی، از دست می رود. بیکاری، فقر و ناداری و بی حقوقی و تبعیض، وجه مشخصه زندگی میلیونها نفر شده و میشود. تنها راه برای مقابله با این موقعیت، گسترش اعتراض و اعتصاب و سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی است.

رژیم اسلامی نوید افکاری سنگری، را به اتهام قتل حسن ترکمان کارمند حراست اداره آبفا شیراز به اتهام شرکت در اعتراضات سراسری مرداد ۱۳۹۷ به دو بار اعدام محکوم کرده بود. برادر او وحید افکاری سنگری نیز در مجموع به ۵۴ سال زندان و برادر دیگرش حبیب افکاری سنگری به ۲۷ سال زندان و همه به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده اند. نوید همواره بر ساختگی بودن و دروغ بودن ادعاهای دستگاه قضایی حکومتی و نوشته های زیر شکنجه تاکید کرده بود. گفته بود من در زیر شکنجه، به خواسته های آنان تن دادم. آنها میگویند "تو و برادارت عضو یک گروه معاند با نظام هستید. در اغتشاشات سال ۹۶ و ۹۷ شیراز حضور داشته اید و به رهبر توهین کرده اید. نیروی امنیتی را هم کشتید". نخواستند صدای ما را بشنوند. فهمیدیم دنبال یک گردن برای طنابشان میگردند!

با پخش صحبت های نوید از زندان مردم ایران و جهان از وقوع یک جنایت هولناک مطلع شدند. دیری نپایید که مردم و نهادهای حقوق بشری و ورزشی در داخل و خارج کشور به این حکم جنایتکارانه اعتراض کردند. از جمله عفو بین الملل، رئیس کمیته بین المللی المپیک، اتحادیه جهانی کشتی، فدراسیون جهانی فوتبال و بسیاری دیگر از چهره های سرشناس در داخل و خارج کشور و صدها هزار نفر از مردمی که در شبکه های اجتماعی حضور دارند به این حکم اعتراض کردند و خواهان لغو آن شدند. رژیم اسلامی که شاهد اعتراض ۱۲ میلیونی "نه به اعدام" بود و میدانست که صدای نوید میتواند موج تازه ای از اعتراض را در ایران و جهان بوجود آورد با سرعت و بطور ناگهانی، بی آنکه امکان آخرین وداع با خانواده را مهیا کند نوید را بدار آویخت تا صدای نوید خفه شود!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن اعلام همدردی با خانواده افکاری، برای آزادی بیقید و شرط همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام بعنوان جنایت سازمانیافته دولتی، محاکمه و مجازات آمران و عاملان قتل بیشمارانه نوید افکاری و جنایتهای سیاسی چهاردهه اخیر مبارزه می کند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، مردم کارگر و زحمتکش و اردوی آزادیخواه را در داخل و خارج کشور به گسترش اعتراض علیه اعدام و حکومت جنایتکار اسلامی فرامیخواند. نجات جان زندانیان منتظر اعدام، متوقف کردن و درهم کوبیدن ماشین اعدام و توحش اسلامی، تنها با گسترش اعتراض توده ای و اعتصابات کارگری ممکن است. آبناماه ادامه دارد، دگرباره برمی خیزیم و کارشان را یکسره می کنیم!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۳ شهریور ۱۳۹۹، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

و دیدگاه ها میان کارگران و اقدامات کارفرما چنین تجمعی را ناممکن و یا بی ثمرسازد. علاوه بر همه اینها تشکل کارگری مثل سندیکا، اتحادیه، شورا تعاونی و غیره دارای اهداف، اساسنامه و برنامه هستند و کارگران به میل واراده خود به عضویت آنها درمیایند و حق عضویت میپردازند و لزوما هم همه کارگران را دربرنمیگیرند و ممکن است کارگرانی میل به عضویت در این تشکله نداشته باشند و یا در این و یا آن یکی از اشکال تشکل عضو فعالیت نکنند و... درحالیکه مجمع عمومی فاقد چنین ساختاری است.

بنابراین اینگونه تصورات و برداشت ها از مجمع عمومی از سوی جریانات و افرادی اشاعه داده میشود که اساسا هیچ اطلاعی از سوخت و ساز و روابط و مناسبات درون کارگران و اشکال مختلف تشکلهای کارگری و حتی مردمان عادی ندارند باشند اینکه فلان کارخانه مجمع عمومی تشکیل داده است و در این مجمع عمومی تصمیم گرفته شده است برای رسیدن به مطالباتشان دست از کار بکشند و یا اعتصاب بکنند، فوراً درتخیلات خودشان باین نتیجه میرسند که مجمع عمومی یک پدیده جدید است و نه تنها یک پدیده جدید است بلکه بهترین تشکل و یک جنبش نیز هست! علاوه بر این هم گویا بعد از سال 57 کشف شده است و اکنون کارگران به خود آگاهی تشکیل این پدیده رسیده اند !!! و اگر این: تئوریسین "ها کمترین اطلاعی از تاریخ جنبش کارگری داشتند و یا ارتباطی با طبقه و توده ها میداشتند هرگز دچار چنین خیالبافی هائی نمیشدند و چنین فرمانهائی صادر نمیکردند.



## مصاحبه نشریه کار کمونیستی با دو تن از رفقای تشکیلات داخل کشور

آدرس اینترنتی و عده ای نیروی مبارز در خارج کشور نیست بلکه شانه به شانه و پای به پای توده ها در همه عرصه ها حضور دارد و این ممکن نیست جز با توسعه و ارتقاء نشریه و پخش هر چه وسیعتر آن که اجازه دهید در مورد چگونگی توزیع آن به دلیل مسایل امنیتی و گوشه‌های نامحرم توضیحی ندهم .

شیرین - اینکه چطور و چگونه نشریه به دست مخاطبین میرسد گفتنش برای چاپ و فضای علنی مناسب نیست، چرا که امکانات ما با خطر مواجه خواهد شد (لزوماً اگر توضیح نیاز باشد به صورت خصوصی حتماً پاسخ گو خواهیم بود) و اما اینکه چه نقشی را داراست، بی شک اشتراک گذاری دیدگاهها و انجام کار جمعی و همکاری در نشر و تولید و توضیح خود به خود در کار سازماندهی شده و جمعی تاثیر گذار است. اهمیت انتشار نشریه و اطلاعیه ها بصورت سنتی در داخل کشور علاوه بر اطلاع رسانی و ارتباط مستقیم با توده های کار و زحمت به تقویت روحیه مبارزاتی آنان و از میان برداشتن گسستی که به دلیل سرکوب و خفقان حاکم، بین سازمانها و توده های تحت ستم و استثمار پدیدار شده می انجامد.

نشریه کار: در این دوره شرکت فعالین تهران در مبارزات جاری، مثلاً از ۸۸ به اینسو که شاهد اعتراضات کارگران وزحمتکشان وخیزشهای عمومی نظیر ۸۸-۹۶-۹۸ بودیم چگونه بوده است و تاچه حد در سازماندهی این اعتراضات و تعیین شعارها و غیره دخالتگر بودید.

مسعود - از آن جا که بر این باوریم هر جا توده ها حضور دارند فدایی هم باید حضور داشته باشد، کوشیدیم با تمام توان در خیزشهای عمومی و شورهای اعتراضی

توانسته حیثیت و اعتبار فدایی و سازمان را در بین دانشجویان و جوانان، کارگران و زحمتکشان و در سطح جامعه حفظ کنیم به طوری که در هر جمع و محفلی از حضور سازمان خبری منتشر میشود با شغف و احترام استقبال میشود. مطمئناً ضعفها و نقصانهای بسیاری بخصوص در برقراری ارتباط با کارگران و توده مردم داریم که به دنبال رفع آن هستیم. مهم این است که در پس این باور عزم و اراده قوی وجود دارد که هیچگاه از پای نمی افتیم.

شیرین - با توجه به شرایط موجود و جو پلیسی حاکم، سرکوب و خفقان که رفیق مسعود هم به آن اشاره کردند و همچنین فضای بی اعتمادی و همه و همه، همین که فعالینی دست به دست و شجاعانه مشغول هستند و نبض مبارزه را تپنده نگاه داشته اند ارزشمند است. همین فعالیتهای و مبارزه منسجم و سازمانی و در کنار هم ماندن ها و تلاش و پویایی بی شک در روزهای آینده میتواند بسیار راهگشا و امید بخش نسل جدید پویندگان راه آزادی و سوسیالیسم باشد. تاکنون زنده و پویا در حد توان خود تلاش کرده ایم و راه گشوده ایم و زین پس هم ادامه میدهیم تا بهترین حرکت را در جای مناسب خود قرار دهیم.

نشریه کار: فعالیت های شما به چه صورت می باشد، بطور مثال اطلاعیه ها و همچنین نشریه فعالین داخل چگونه بدست مخاطبینی که مد نظر هستند میرسد و چه نقشی در ارتقاء سطح آگاهی و ایجاد زمینه سازماندهی بازی میکند؟

مسعود - شکی نیست که اطلاعیه ها و بخصوص راه سرخ اهمیت بسزایی در ارتقاء آگاهی و سازماندهی توده ها میتواند بازی کند. راه سرخ میتواند آدرسی از یک تشکل رزمنده میدانی ارائه دهد و این اطمینان را ایجاد کند که فدایی فقط چند

کار - رفیق مسعود و رفیق شیرین درود فراوان به شما، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست اولین سازمانی بوده هست که بعد از سرکوبهای خونین دهه ۶۰ و با وجود جوترووروسرکوب توانسته است در داخل کشور خود را تاحدی که میتوانست بازسازی بکند و بیش از دوده از فعالیت متشکل فدائیان کمونیست در داخل کشور سپری میشود، از جمله کمیته های تهران، البرز، کردستان و آذربایجان را میشود نام برد که ضمن فعالیت عملی و شرکت و دخالتگری در مبارزات طبقاتی و انتشار اطلاعیه ها و موضع گیری در قبال تحولات جامعه و مبارزات کارگران و زحمتکشان، نشریاتی همچون، راه سرخ، دان الدوزو، ریگای گل و په راسیلکه را میتوان نام برد که در این دوره توسط این کمیته ها منتشر شده اند.

سوال ما و همینطور خوانندگان نشریه و علاقمندان و هواداران سازمان این است که ارزیابی کلی شما از فعالیت تاکنونی سازمان در داخل کشور چی هست؟

مسعود - در مورد فعالیتهای در داخل نخست باید تاکید کنم که حوزه فعالیت در داخل از ویژگیها خاصی برخوردار است که مهمترین آن جو پلیسی و امنیتی حاکم بر جامعه است و با فراز و فرودهایی مواجه شده ایم به عنوان مثال انتشار راه سرخ دوره ای به دلیل مشکلاتی متوقف شد ولی ما در انتشار مجدد آن مصمم بوده و هستیم و سرانجام بار دیگر به نتیجه رسید و از آن جا که برای ما در حله اول حفظ جان و امنیت رفقایمان و تداوم مستمر مبارزه اهمیت دارد و به مانند پاره ای جریانات اپورتونیست حاضر نیستیم با قربانی کردن نیروها اسم و رسمی کسب کنیم به کمیت بی کیفیت نمی اندیشیم ولی با توجه به توان مادی خود و موقعیت امنیتی حاکم

## مصاحبه نشریه کار کمونیستی با دو تن از رفقای تشکیلات داخل کشور

و طبقاتی تاکنون تلاشهای زیادی کرده است و نقش اصلی در تشکیل اتحاد چپ کارگری، اتحاد انقلابی، و شورای نمایندگان احزاب و سازمانها بازی کرده و انرژی زیادی برای موفقیت آنها صرف نموده است که برغم دستاوردهایی که این تلاشها در جهت نزدیکی و همکاری مشترک سازمانهای چپ و کمونیست داشته است اما آنچه که انتظار میرفت برآورد نشده است.

انتظارشمارفقای سازمان و فعالین داخل از سازمانها و احزابی که در این پروسه شرکت داشتند و یا هم اکنون تحت عنوان "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" باهم همکاری میکنند، چیست؟

مسعود - در ادامه پاسخ به سوال قبلی پر واضح است که شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در این آشفته بازاری که فرصت طلبان به راه انداخته اند مسئولیت سنگینی بر دوش دارند ضروری است با تجربه اندوختن از تلاشهای وحدت طلبانه قبلی که همه به شکست انجامید گامهای عملی تری برای ارتقاء این روابط بردارند. مهمترین ضعف نشستهای وحدت طلبانه قبلی که به شکست انجامید و در همه مشترک بود جدا بودن این سازماندهی از توده ها و بدور بودن از عرصه میدانی مبارزه و از دور دستی به آتش داشتن بود که منجر به لمس نکردن اهمیت و ارزش بالای تلاشهای وحدت طلبانه انقلابیون کمونیست برای کارگران و زحمتکشان و ضرورت حفظ و ارتقاء آن با چنگ و دندان بود. در این راستا و به منظور پیوند عمیقتر ارتباط شورای همکاری با مبارزات جاری توده ها در داخل، ضروری میدانم که نشستی از نمایندگان این تشکلهای داخل برگزار گردد تا زمینه ساز ایجاد ستاد فرماندهی در غالب جبهه شود تا بتواند راهبر و جهت بخش خیزشهای آینده باشد. این خلایق است که فقط با عزم و اراده و رفقای شش جریان قابل جبران است. به این منظور ما (کمیته تهران) آماده برگزاری این نشست با

اند، هیچ جریانی نمیتواند به تنهایی آلترناتیو جایگزین رژیم باشد هیچ جریانی به تنهایی از این توانایی و امکانات بر خوردهای نیست که در انقلاب آینده تاثیر به سزایی بگذارد، این واقعیت دردناک ولی درس آموزی است هر نیرویی ادعایی غیر این داشته باشد یا متوهم است و یا دغلباز که ریگی به کفش دارد فکر میکنم در کنار فعالیتهای خاص سازمانی میبایست به فکر وحدت درون جنبش هم باشیم تا چشم انداز روشنی برای کارگران و زحمتکشان ترسیم شود.

شیرین - اینکه چه نتیجه ای حاصل خواهد شد را به طور قطع نمیتوان گفت چرا که جریانات و اتفاقات را نمیتوان به سادگی محاسبه کرد و دقیق چید و اینکه در این شرایط زمانی و مکانی که در آن هستیم آینده چگونه باشد باز هم به موارد بسیاری بستگی دارد که در این گفتگو فرصت پرداختن به آن نیست، اما در راستای اهدافی که اشاره کردید، من و سایر رفقا وفادارانه و خالصانه همچنان تمام تلاش خود را میکنیم و با تمام قوا برای پیش برد اهداف سازمان که همانا سازمانیابی، آگاهی و توانمند ساختن طبقه کارگر است از هیچ کوششی دریغ نمیکنیم و این باور را داریم که تلاش صادقانه و خالصانه در نهایت نهالی پر بار را به ثمر خواهد رساند. بدون شک موانع بیشمار پیش رو است از جمله موردی که رفیقمان مسعود اشاره کردند، یعنی پراکندگی نیروهای درون جنبش انقلابی، و علاوه بر آن خود بزرگ بینی و توهم و حرکات هیستریک بخشی از فعالین درون جنبش، اما برای ما که باور عمیق به آزادی و رهائی از قید بردگی و بندگی داریم آینده با تمامی موانع اش سرشار از امید و شور مبارزاتی است.

نشریه کار: سازمان هم در راستای وحدت های حزبی و هم اتحاد های اجتماعی

حضور داشته باشیم ولی با توجه به توانمان توفیق چندانی در سازماندهی این اعتراضات نداشته ایم ولیکن در موارد بسیاری توانسته ایم با طرح شعارهای رادیکالی و سرنگون طلبانه که مورد استقبال تظاهر کنندگان قرار میگرفت جو و میدان را بر رفرمیستها و اصلاح طلبان و ضد انقلاب تنگ کنیم.

شیرین - بی شک فعالیت و حضور و تلاش ما در عرصه سازمانی و کار جمعی به دنبال خود عمل و کار میدانی را نیاز دارد. ما به نوبه خود در تمامی تجمعات حضور داشته ایم و سعی خود را به تمامی به کار بستیم تا علاوه بر حفظ امنیت خود و دیگران در به خطر نیانداختن بیهوده و بی مورد خویش و دیگران، از آنجا که معتقدیم تلاشهای ما فقط در عرصه عمل است که نتیجه بخش است کوشیدیم از هیچ حرکت اعتراضی جا نمانیم تا بتوانیم به سهم خود سمت و سوی حرکتهای مردمی و توده ای را ارتقاء ببخشیم.

نشریه کار: باتوجه به استراتژی سازمان برای گسترش مبارزه، تحکیم حضور عملی سازمان در مبارزات جاری کمک به سازمانیابی طبقه کارگر و ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی آنان در راستای سرنگونی نظام حاکم و استقرار جمهوری فدراتیو شورائی و برقراری سوسیالیسم...

چشم اندازتان چی هست؟

مسعود - پر واضح است که بردن شعارهای سازمان بخصوص جمهوری فدراتیو شورایی به عنوان یک آلترناتیو در بین توده ها از وظایف ابتدایی و مسلمات ماست ولی یک نکته مهم را باید تاکید کنم که رفقای عزیز علیرغم هوچیگری ها و دروغ پراکنی های جریانات فرصت طلبی چون حزب کمونیست کارگری که کم کم به مرحله تعیین وزرای دولت آینده شان در پی سرنگونی رژیم، نزدیک میشوند و از هم اکنون سند حکومت آینده را به نام زده

### مصاحبه نشریه کار کمونیستی با دو تن از رفقای تشکیلات داخل کشور

خود با خفت طرد کنند ، مبارزه منفرد و پراکنده هیچگاه به سرانجام نخواهد رسید و محکوم به شکست است مبارزه پراکنده فقط منجر به تقویت قدرت سرکوب رژیم میشود . ما همه مبارزین راه رهایی طبقه کارگر را دعوت میکنیم به صفوف فداییان کمونیست بپیوندند و دستانشان را به گرمی میفشاریم و قدمشان را در صفوف خودمان بر روی چشم میگذاریم .

شیرین - اتحاد، اتحاد، اتحاد، تنها و تنها با سازماندهی و در کنار هم قرار گرفتن مبارزه میسر است در غیر این صورت همه تلاشها بی نتیجه میماند، باید به احزاب و سازمانهای قابل اعتماد پیوست و سازماندهی کرد و متحد شد که این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمیشود . همدرد ، هم بغض دستت را به من بده تا از زنجیر محکمی که میسازیم با اراده و عشق و فداکاری فردایی بهتر را برای خود و فرزندانمان و آیندگان رقم بزنیم .

داریم، اشتراکاتی که میتوان با توسل به آنها و با نگاهی به آینده روشن متحد و منسجم برای فردایی بدون ظلم و ستم و استثمار در یک جبهه انقلابی امر مبارزه را پیش برد و به سرانجام رساند.

کار: همه با شرایط سخت مبارزه در داخل کشور آشنا هستند فدائیان کمونیست با ارجان گذشتگی و فداکاری در این دوره نشان دادند که در هر شرایطی همچون فدائی و کمونیست همراه و هم‌رزم کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز و آزادیخواه هستند و در حد و توان خود به امر پیشبرد مبارزه یاری میرسانند. انتظار شما از کارگران پیشرو زحمتکشان، دانشجویان زنان و جوانان که خود درگیر مبارزه هستند چیست ؟

مسعود - توقع اصلی ما از پیشروان طبقه کارگر و دانشجویان و جوانان در داخل تنها در دو کلمه خلاصه میشود اتحاد و سازماندهی ، این امر فقط زمانی ممکن خواهد شد که ساده بگویم دوست و دشمن را به خوبی بشناسند ، باور داشته باشند که همواره در صفوف کارگران و توده های محروم و ستمدیده مزدوران سرمایه جا خوش کرده اند و مترصد تا مبارزات کارگران و زحمتکشان را به شکست بکشانند باید آنها را بشناسند و از صفوف

رعایت تمامی دستور العملهای امنیتی در تهران هستیم .

شیرین - ما در داخل با یک حکومت به غایت جنایت پیشه و وحشی طرفیم که هر صدای دادخواهی را با بی رحمانه ترین شکل سرکوب میکند کوچکترین حرکتی مشاهده شود دردم نابود میشود ، در جایی هستیم که هر روزه دهها کودک را زباله ها و صدها زن را در خیابانها و هزاران مرد مستاصل و پریشان را مشاهده میکنیم که برای لقمه نانی شان و شف انسانی خود را به حراج میگذارند و به هر دری میزنند و پریشان و سرگردان ره به جایی نمیبرند . فاجعه ای انسانی در برابر چشمان ما در حال وقوع است . ما بعنوان بخشی از فعالین داخل کشور از این سازمانها و احزابی که تحت عنوان "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست " فعالیت مشترک را در پیش گرفته اند انتظار داریم که با نگاه عمیقتر به این فجایع در یک جمع بندی واحد و با یک هدف عالی و متعالی با تمام قوا از نیروهای داخل که تلاش میکنند نبض مبارزه از تپیدن باز ناپستاد حمایت کرده، بدون شک هر کدام از نیروهای تشکیل دهنده این شورا گرایشات و خوانش متفاوتی از سوسیالیسم دارند اما در کنار تمامی اختلافات ، اشتراکات بیشماری هم

**نشریه راه سرخ ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست .**  
**راه سرخ صدای کارگران و زحمتکشان و تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نفی هرگونه استثمار و کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی نمایند. از طریق ایمیل ادرس :**  
**Rah\_sorkh@yahoo.com**

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید .

**راه سرخ**  
 شماره ۱۸۴ - شهریور ۱۳۹۹  
 شماره ۱۸۴ - شهریور ۱۳۹۹  
 شماره ۱۸۴ - شهریور ۱۳۹۹

**منتشر شد!**

مردم با خفت طرد کنند ، مبارزه منفرد و پراکنده هیچگاه به سرانجام نخواهد رسید و محکوم به شکست است مبارزه پراکنده فقط منجر به تقویت قدرت سرکوب رژیم میشود . ما همه مبارزین راه رهایی طبقه کارگر را دعوت میکنیم به صفوف فداییان کمونیست بپیوندند و دستانشان را به گرمی میفشاریم و قدمشان را در صفوف خودمان بر روی چشم میگذاریم .

نام و یاد ممد بهرنگی، آموزگار نسلها و پاره حیرت انگیز تمدن، برای همیشه زنده است!

« آن که " برده " نام گرفت لاجرم گردن خود را خم میکند، من آن تیرم که پیشاپیش بردگان در حرکت است. »  
**صمد بهرنگی**

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست  
<https://fedayi.org/>  
 شهریور ماه ۹۹

## دلایلی که مسبب شکست ترامپ در ماه نوامبر خواهند شد!

خسرو اسدیان

با توجه به نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی که در طی چهار سال گذشته و مخصوصاً در طی ماههای گذشته از طرف حاکمیت ترامپ و مشاوران و دکترین حزب جمهوری خواهان در ایالات نامتحدہ امریکا شکل گرفته است، و بخصوص با توجه به بحران سیاسی داخلی در این کشور و شکل سیاسی به خود گرفتن جامعه، دلایل عینی وجود دارند که باعث شکست این "مرد فنناپذیر" و باعث شکست حامیان، همراهان ریز و درشت وی چه در سطح بین الملل و چه در سطح داخلی خواهند شد و وی را شکست پذیر خواهند کرد!

این دلایل کدامها هستند:

\_ کشیدن دیوار بتنی بیش از هزار کیلومتری در مرز مکزیکی که موجب تنفر بیش از پیش مکزیکی های ساکن امریکای شمالی نسبت به سیاستهای نژادپرستانه دولت ترامپ و حزب وابسته به آن شده است.

\_ دستگیر کردن هزاران مهاجر امریکای مرکزی که در مرز امریکای شمالی دستگیر شده و به زندانی کشاندن مادران مهاجر و جدایی کودکان از آنان

\_ ممنوعیت برگشت سفر شهروندان تابعه امریکا که در مسافرتهاى خارج از امریکای شمالی بسر می بردند و دارای ملیتهای مختلفی بودند. هنوز این طیف از شهروندان دچار سیاستهای راسیستی دولت ترامپ قرار دارند.

\_ کشتن سیاه پوستها و شهروندان لاتین و الاصل، توسط پلیس های سفیدپوست در طی سالها و بخصوص ماههای گذشته! مورد تعقیب نگذاشتن مجرمان و عاملین این قتلها بر علیه سیاهپوستها و لاتینی ها و عیب و نقص در سیستم قضایی این کشور

\_ 14 در صد از جامعه امریکای شمالی را سیاه پوستان به خود تعلق دارند. این بخش از جامعه، بخصوص در این دوره، میخواد بر خلاف دوره های قبل، به پای صندوقهای رأی برود.

\_ بیش از 17 در صد از اهالی این کشور را هیسپانیس ها (اسپانیوالاصل - لاتین و الاصل) تشکیل میدهد. اینبار آنها میخوانند، با ترامپ تصفیه حساب کنند.

\_ از بین بردن و فسخ قوانین بیمه های اجتماعی که توسط اوباما وضع شده بود و وضعیت اسفبار سیستم درمانی در این کشور

\_ تا کنون طبق آمار دولتی، بیش از 200000 قربانی ویروس کرونا ثبت شده است! در هر ثانیه 9 نفر جان خود بخاطر کووید 19 در این کشور از دست میدهند!

\_ اکثریت قربانیان کووید 19 تاکنون، شامل سیاهپوستان، لاتینی ها و افراد بی بضاعت و فقیر جامعه بوده است.

\_ اظهارات منفی و تحقیرآمیز ترامپ بر علیه زنان و سیاستهای ضد زن بودن وی در همه گفتارها، پیامها و عملکردهای وی

\_ استعفاهای پی در پی وزیرها، مشاورهای سیاسی - نظامی و مأموران امنیتی وی در طی سالها و ماههای گذشته

\_ جنگ اقتصادی و تهدیدهای گوناگون بخصوص بر علیه چین که برخلاف نقشه ها و برنامه های در دست داشته ترامپ، تاکنون برعکس طرحهای وی شکل گرفته و موجب نارضایتی بخش عظیمی از جامعه شده است و مشکلات اقتصادی وسیعی را شکل داده است!

\_ طرحهای رژیم چنج و طراحی کودتاهای مختلف، بر علیه خیلی از کشورها و به بن بست رسیدن این نقشه ها، بخصوص شکست طرحها و شبه کودتاهای متفاوت در جهت تعوض حکومت در ونزوئلا، موجی از نارضایتی های مختلفی را حتی در امریکای شمالی بوجود آورده، طوری که سناتور معروف کریس مورفی در دوازدهم ماه اوت این سیاست ترامپ را " یک خانه خرابی و خامت آمیز " نامیده است!

\_ ایجاد تفرقه در جامعه امریکای شمالی توسط ترامپ با حربه " تفرقه بیانداز و

حکومت کن " ! این مسئله بعد از چهار سال موجب سیاسی شدن جامعه شده و حتی افرادی که سالها به حزب جمهوری خواهان رأی میدادند، اینک دلهره شکست ترامپ را لمس کرده اند و طی ماههای گذشته، آنها حتی به ترامپ پند می دهند که از بیان و اظهار مطالب نامطلوب و بی مورد پرهیز کند. در صد چشمگیری از رأی دهنده گان سفیدپوست نیز که به ترامپ رأی داده بودند، اینبار مروری دیگر برای رأی دادن خود دارند! سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن ، روزهای آخر خود را میگذرانند!

\_ در حال حاضر، بیش از 14 درصد رشد بیکاری در این کشور وجود دارد. این رقم بنابه آمار رسمی خود دولت میباشد!

\_ روی گرداندن خیلی از وسائل ارتباط جمعی و منابع ارتباط جمعی الکترونیکی از تبلیغات منفی ترامپ!

\_ هر تحولی که در دنیا شکل بگیرد، تلاشهای بیهوده ترامپ در مقابله با قدرت اقتصادی چین و بعضی از کشورهای اروپایی به کرسی نخواهد نشست، چرا که زمان بسیار کمی برای ادامه بلوفهای سیاسی و اقتصادی وی باقی مانده است!

\_ نامگذاری " جو بایدن " بعنوان کاندید حزب دمکراتها و اخیراً تعیین کردن معاونت ریاست جمهوری برای " کملا هاریس " کارت آس دیگری از طرف حزب دمکرات است که بخش عظیمی از زنان، سیاهپوستان و دو رگه ها در ایالات نامتحدہ امریکا را به خود جلب کرده و جلب خواهد کرد. در واقع مبارزات انتخاباتی امریکای شمالی، بیش از 200 سال است، همیشه و در حال حاضر نیز، همانند قمار است که هر چهار سال یکبار، میدان قمار، فقط به دو حزب دمکرات و حزب جمهوریخواهان تعلق دارد و هر گاه هر کدام از نماینده گان این دو حزب، کارت بهتری را رو کرد، توانایی به قدرت رسیدن را در خود دارد و میتواند با

## من تسلیم نخواهم شد!

روز سه شنبه ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ کمی بعد از ساعت چهار به وقت محلی رییس جمهور سوسیالیست منتخب مردم شیلی، سالوادور آلنده آخرین سخنان خود را از طریق رادیو "ماگالانز" خطاب به مردم شیلی بیان داشت او در بخشی از سخنانش چنین می گوید:

**"هممیهنان!**

به احتمال قوی این آخرین فرصتی است که می توانم با شما سخن گویم. نیروی هوایی برج های فرستنده رادیوهای «پورتالس» و «کوپوراسیون» را بمباران کرده است. سخنان من حاوی اندوه نیست، ولی حاکی از تاسف است. سخنان من برای کسانی که به سوگند خود خیانت کرده اند، یک کیفر اخلاقی است...

### سربازان شیلی!

دریاسالار مرینو، که خود خویش را به عنوان فرمانده کل منصوب کرده و آقای «مندوسا»، این ژنرال فرومایه که تا همین دیروز وفاداری و اخلاص خویش را به دولت ابراز می داشت، این ها سوگندشکنانند! بنابراین واقعیات برای من کار دیگری باقی نمی ماند به جز آن که در مقابل زحمتکشان یک بار دیگر تکرار کنم:

### من استعفاء نمی دهم!

من در یک مرحله گذار تاریخ، به وفاداری خلق با ایثار جان خویش پاسخ می دهم و به شما می گویم:

من مطمئنم بذری را که ما در وجدان و آگاهی شایسته هزارها هزار مردم شیلی کاشته ایم، نمی توان ریشه کن کرد. آنها قدرت دارند، آنها می توانند ما را به زیر یوغ خود درآورند، ولی با جنایت و اعمال قهر نمی توان از سیر تکامل اجتماع جلوگیری کرد. تاریخ از آن ماست و صفحات آن را خلق ها می نگارند...."

سالوادور آلنده در پایبندی به قول خود مبنی بر مردن بخاطر دفاع از منافع خلق استوار و قاطع بود. او سمبل وفار، بزرگی، ارزش،



قهرمانی و فداکاری بود. مقوله ای که نظامیان فاشیست با آنها آشنایی ندارند. آلنده با اقدام پر عظمت، بی نظیر و بی مانند خود برای همیشه و برای تمام طول تاریخ، پینوشه و همکارانش را در ننگ و رسوایی ابدی فرونشاند.

در سال ۱۹۷۱، فیدل کاسترو مسلسلی به سالوادور آلنده هدیه داد. مسلسلی که وی در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ با آن تا آخرین دقایق زندگی خود دلاورانه در راه آرمان های کارگران و زحمتکشان شیلی مبارزه کرد و به خون تپید. یکی از اشتباهات آلنده این بود که او مخالفان خود را دست کم گرفت و به اشتباه می پنداشت که آنها به خواسته های مردم و قانون اساسی احترام خواهند گذاشت. این عواقب مهلکی برای او و شیلی به دنبال داشت. بی دلیل نبود که فیدل کاسترو یک سلاح را به صورت سمبولیک به او هدیه داد. اکنون ۴۳ سال از آن روز گذشته است، کودتا آغاز ۱۷ سال حکومت نظامی ننگین و یک دیکتاتوری وحشتناکی بود که در طی آن هزاران نفر از فعالین سیاسی کشته یا ناپدید شدند، ده ها هزار نفر محبوس و شکنجه شدند و بیش از صد هزار نفر دستگیر و یا مجبور به ترک کشور شدند.

بعد از کودتا حکومت نظامیان به رهبری پینوشه در یک قرارداد، مالکیت دولت روی تمامی صنایع ملی دولتی را از بین برد. سرمایه خارجی با خرید این صنایع مهم با نیروی تمام به حراج شیلی دست زد. معادن مس شیلی که جزو بزرگترین منابع مس دنیا محسوب می شود به دست کمپانیهای بین المللی افتاد. خصوصی شدن صنایع در این سال شروع شد. ده خانواده بزرگ شیلی سرنوشت کشور را به دست گرفتند. خانواده آنجلینی با در دست داشتن بیش از سه میلیارد دلار بخش بزرگی از صنایع مس را خرید و خانواده لارایم با چهار میلیارد دلار به تاراج

صنایع نساجی پرداخت که اینها همه بخشی از برنامه های از پیش تعیین شده آنها بود. در این مدت میزان فقر در جامعه به ۷۰ درصد رسید ۳۵ درصد فقر مطلق رابه جامعه تحمیل کردند و بسیاری از کارگران از روی بیکاری به مشاغل غیرتولیدی روی آوردند. بیمه درمانی کشور به دست کمپانیهای بزرگ اسپانیایی، سعودی و امریکای شمالی رسید. آب، طبیعت، رودخانه ها، جزایر، پلها، صنایع پرورش ماهی تمامی سیستم آموزش و پرورش، همه اینها از بیخ و بن خصوصی شدند.

آلنده نقش مهمی برای برابری جامعه ایفا کرد. رل وی در سیستم آموزش و پرورش یک نمونه است. زمانی که وی دانشجوی پزشکی بود، تلاش برای بوجود آوردن بهداشت همگانی را دامن زد. کودتا در واقع ادامه تلاشی بود برای از بین بردن تمامی دستاوردهای دوران حکومت آلنده سازمان داده شده بود.

در سه سال پیش از این کودتا سالوادور آلنده رهبر جبهه مردمی و رییس جمهور منتخب مردم شیلی بود. جبهه مردمی در طی این سه سال یک سری برنامه های اجتماعی را انجام داد، مرگ و میر کودکان ۲۰٪ کاهش یافت، بیکاری نصف شد، حقوق و دستمزدهای کارگران و زحمتکشان ۳۴٪ و تولید صنعتی ۱۲٪ افزایش یافت، همزمان با آن آمریکا و متحدانش تحریم اقتصادی و قرضی بین المللی علیه شیلی به راه انداختند. با این کودتا اولین تلاش تاریخی برای ایجاد یک مرحله گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم متوقف شد و در همه دنیا بحثهای داغی در رابطه با گذار بدون خشونت به سوسیالیسم یا مبارزه مسلحانه زبانه کشید.

آلنده مشعل امیدی را برای یک قاره فقیر و دلیل شده، زندانی زنجیرهای امپریالیسم آمریکا، غارت شده به دست سرمایه داری کلان و محروم از اساسی ترین حقوق بشر روشن کرد که همچنان در سالهای اخیر قویتر و زیباتر پدیدار است.

بدون شک کارگران و زحمتکشان سراسر جهان بخصوص ایران هرگز تجربه تاریخی و مهم کودتای شیلی و درسهای آن را فراموش نخواهد کرد.

## دلایلی که مسبب شکست ترامپ در ماه نوامبر خواهند شد!

طرحها و برنامه های خود و با همکاری و حمایت کمپانیهای غول پیکر و کارتلهای استعمارگر بین الملل، چهار سال و یا چهار سال اضافه بر آن، به حاکمیت خود قدمت دهد!

عوامل و دلایل سیاستهای کج دار و تفرقه آمیز و آشوب گریهای دکتترین حکومت ترامپ بر سر مسائل بین الملل و برای هر چه بیشتر تسلط داشتن بر جهان، وزنه سنگین آنچنانی، برای شکست وی در محل سکونتش، نخواهد داشت، بلکه مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی ست، که شکست وی را حتمی کرده است.

بنا به این دلایل در این مقاله که در صفحه سازمان فدائیان کمونیست آورده شده و دلایل دیگری که بدون شک، خواننده گان به آن آگاه هستند، عواملی ست که موجب روزشماری عمر حکومت ترامپ شده است و در ماه نوامبر، پایان حاکمیت چهارساله آنرا فرا میرساند!

به این نکته مهم در اینجا بایستی اشاره کرد که درد، مصیبت و نابسامانی ناهنجاری که مردم و توده های زحمتکش امریکای شمالی سالهاست گریبانگیر آن هستند، این است که تعویض ریاست جمهوری ها و بر سر کار آمدن یک رئیس جمهور از طرف حزب دمکرات و یا از طرف حزب جمهوری خواهان، تغییرات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی آنچنانی را در وضعیت زندگی اکثریت جامعه این کشور بوجود نیاورده و نخواهد آورد. اما تنها و تنها همانطور که در طی هفته ها و ماههای گذشته دیدیم، مبارزات وسیع توده های زحمتکش، توده های رنجدیده و مورد استثمار شده و مبارزه ضدسرمایه داری متداوم، میتواند تغییرات اساسی را در زندگی مردم امریکای شمالی بوجود آورد. همچنین پیروزی دمکراتها در هر زمان و هر موقعی، دال بر تغییرات اساسی سیاستهای بین المللی این امپریالیسم نخواهد بود. نمونه بارز این قضیه در دوران اوباما بود که در دوره حاکمیت وی، بیشتر از زمان جنگ جهانی دوم، از بمبهای جنگی استفاده شد و اکثر این بمبها به روی افغانستان فرو ریخت!

شکست ترامپ در ماه نوامبر، ممکن است ما را شاهد انواع ترفندها و حيله های جدید وی بنماید و اما هر چند وی، خود را همانند شاه شاهان و یا نایب الامام قلمداد دهد، مبارزه خستگی ناپذیر زحمتکشان و مبارزه متداوم توده های آگاه مردم این کشور، همچنان پای برجا بوده و فریب هیچگونه مانور ترامپ و انواع مختلف همچون ترامپها را نخواهند خورد!

خسرو اسدیان

شهریور 1399

**Kar@fedayi.org**



سخنان ادواردو گالیانو در سال 1970: " اگر سیستم پارلمانی از پایه و اساس قصد تغییر و تحول نظم سرمایه داری را در خود میداشت، مدتها بود که مورد ممنوع قرار میگرفت. اینرا میلتون فریدمن که یکی از محققین و آگاهان به لیبرالیسم نو بود، در قرن گذشته به خوبی بیان کرده است."

**نشریه سیاسی و تحلیلی  
کارکمونیستی علاوه بر انعکاس  
مواضع. نظرات و تحلیل های  
سازمان. انعکاس دهنده مسائل  
سیاسی. اجتماعی. اقتصادی و  
فرهنگی و تاریخی از منظر  
دیدگاه های مختلف نیز هست.  
تحریریه نشریه از میان مطالب  
رسیده انتشار مطالبی را انتخاب و  
در انوبت قرار خواهد داد که  
مستقیماً برای این نشریه ارسال  
شده باشند لذا انتظار داریم  
انعکاس این مطالب در سایر  
نشریات و سایت ها با ذکر منبع و  
نام نویسنده صورت گیرد. از  
طریق ایمیل آدرس زیر  
نظرات. پیشنهادات و انتقادات  
خود را با در میان بگذارید.**

**kar@fedayi.org**

**کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر  
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست منتشر می شود.  
برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از  
آدرسهای زیر تماس بگیرید:**

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

کمیته تهران

[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karj@fedayi.org](mailto:karj@fedayi.org)

**کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدائیان شورانی !**